

## احترام به والدین



در کافی به سند خود از عبد الله بن سنان روایت کرده که گفت از امام صادق(ع) شنیدم می‌فرمود: یکی از گناهان کبیره عقوف والدین، و یکی دیگر نومیدی از رحمت خدا، و

یکی ایمنی از مکر اوست، و روایت شده که از هر گناهی بزرگتر شرک به خداست (1). و در کتاب فقیه در حقوقی که از امام زین العابدین(ع) روایت کرده فرموده: بزرگترین حق خدا بر تو این است که او را بپرستی، و چیزی شریکش نسازی که اگر اینکار را به

اخلاص کردی خداوند حقی برای تو بر خود واجب می‌کند، و آن این است که امور دنیا و آخرت را کفایت می‌کند.

و نیز فرمود: و اما حق مادر این است که بدانی او تورا طوری حمل کرد که احدی، احدی را آن طور حمل نمی‌کند، آری او تو را در داخل شکم خود حمل کرد، و از میوه قلبش چیزی به تو داد، که احدی به احدی نمی‌دهد، و او با تمامی اعضای بدنش تو را محافظت نمود، و باک نداشت از اینکه گرسنه و تشنه بماند، بلکه پروایش همه از

گرسنگی و تشنگی نبود، او باک نداشت از اینکه برهنه بماند، همه پروایش از برهنگی تو بود، او هیچ پروایی

(1) اصول کافی، ج 2، ص 278، ج 4.

صفحه: 328

نداشت از گرما، ولی سعیش این بود که بر سر تو سایه بیفکند، او به خاطر تو از خواب خوش‌صرفتنظر کرد، و تو را از گرما و سرما حفظ نمود، همه این تلاشها برای این

است که تو مال او باشی، و تو نمی‌توانی از عهده شکر او برآیی، مگر با یاری و توفیق خدا.

و اما حق پدر این است که بدانی او ریشه تو است، چون اگر او نبود تو نبود، پس هر وقت از خودت چیزی دیدی که خوش آمد، بدان که اصل آن نعمت پدرتو است،

پس حمد خدا گوی، و شکر پدر بجای آر، آن قدر که با این نعمت برابری کنی، و هیچ نیرویی نیست جز به وسیله خدا (1).

و در کافی به سند خود از هشام بن سالم، از امام صادق(ع) روایت کرده که فرمود: مردی نزد رسول اکرم(ص) رفت و گفت: یا رسول الله به چه کس نیکی کنم؟ فرمود به

مادرت، عرضه داشت: سپس به چه کس؟ فرمود: به مادرت، عرضه داشت: سپس به چه کس؟ فرمود: به مادرت، عرضه داشت: سپس به چه کس؟ فرمود: به پدرت (2). و در مناقب آمده که روزی حسین بن علی(ع) به عبدالرحمان بن عمرو بن عاص گذشت، پس عبد الرحمان گفت: هر که می‌خواهد به مردی نظر کند که

محبوبترین اهل زمین است نزد اهل آسمان، به این شخص نظر کند، که دارد می‌گذرد، هر چند که من بعد از جنگ صفین تاکنون با او هم‌کلام نشده‌ام.

پس ابو سعید خدری او را نزد آن جناب آورد، حسین(ع) به او فرمود: ایامی دانستی که من محبوبترین اهل زمین نزد اهل آسمانم، و با این حال در صفین شمشیر به روی

من و پدرم کشیدی؟ به خدا سوگند پدر من بهتر از من بود، پس عبد الرحمان عذر خواهی کرد و گفت: آخر چه کنم رسول خدا(ص) به خود من سفارش فرمود که پدرت را

اطاعت کن، حضرت فرمود: مگر کلام خدای را نشنیدی که فرمود: و انجاهدك على ان تشرک بی ما لیس لك به علم فلا تطعهما و نیز مگر از رسول خدا(ص) نشنیده‌ای که

فرمود: اطاعت(پدر و مادر و با هر کس که اطاعتش واجب است) باید که معروف باشد، و اطاعتی که نافرمانی خدا است معروف و پسندیده نیست، و نیز مگر نشنیده‌ای که

هیچ مخلوقی در نافرمانی خدا نباید اطاعت شود (3).

(1) من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 376، (2) کافی، ج 2، ص 159، ج 9، (3) مناقب، ج 4، ص 73 - طبع قم.

علامه سید محمد حسین طباطبایی قدس سره ترجمه تفسیر المیزان جلد 16 صفحه 327

سید محمد حسین طباطبایی

بنیاد اندیشه اسلامی